

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





فصل سوم

- درس هفتم: تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های دهم و یازدهم ۶۲
درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲) ۶۹
درس نهم: استعاره ۷۹
آزمون فصل ۳ ۸۸

فصل یکم

- درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم ۷
درس دوم: پایه‌های آوایی ۱۸
درس سوم: تشبیه ۲۵
آزمون فصل ۱ ۳۴

فصل چهارم

- درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی) ۹۰
درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی ۹۸
درس دوازدهم: کنایه ۱۰۸
آزمون فصل ۴ ۱۱۶

فصل دوم

- درس چهارم: سبک عراقی ۳۶
درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱) ۴۲
درس ششم: مجاز ۵۲
آزمون فصل ۲ ۶۰

پاسخ‌نامه تشریحی ۱۱۸

پاسخ‌نامه کلیدی ۱۴۰

درس یکم تاریخ ادبیات فارسی

در قرن های هفتم، هشتم و نهم

مقدمه

(# چه خبر؟) سال قبل با تاریخ ادبیات ایران از قرن های اولیه هجری تا قرن ۶ آشنا شدی. تو این درس قراره بین قرن های ۷ و ۸ و ۹ چه خبر بود. درس، دوتا بخش داره، بخش اول از اوضاع کلی سیاسی و اجتماعی قرن های ۷ و ۸ و ۹ برات می گه و بخش دوم با شاعرا و نویسندگانی معروف این قرن ها آشنا می کنه.

زاویه دید

سؤال ها و تست های مربوط به دروس تاریخ ادبیات (درس های ۱ و ۷ شما) غالباً حفظی و مشابه متن کتاب است. درس را با این زاویه دید بخوانید. ضمناً سعی کنید درکی از حال و هوای کلی این دوره ها به دست بیاورید تا تست های سبک شناسی را راحت تر پاسخ دهید.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن های ۷، ۸ و ۹

(# چه خبر؟) می دانید که عوامل سیاسی و اجتماعی در یک دوره، ممکن است باعث ایجاد تغییراتی در سبک شعر و نثر آن دوره شود و روی قلمروهای فکری، زبانی و ادبی، اثر بگذارد (مثلاً آگه گوشت پشه کیلویی ۲۰۰ هزار تومان، احتمالاً شعری سروده می شه رافع به فواید گیاه فواری، آخ بودن مزه گوشت، گناه داشتن بیعی های ناز و ...). در این درس سعی کرده ایم عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی در قرون ۷ و ۸ و ۹ و تأثیر این عوامل بر تغییر سبک ادبی را مورد به مورد برایتان توضیح دهیم (کادر مستطیل شکل عوامل و دلایل را شرح می دهد و توضیحات روبه روی آن کادر، تغییرات سبکی ناشی از آن عوامل و دلایل را بیان می کند). (تو بخش «ریگه چه خبر» هم نکته هایی رو می گیم که تو کتاب درسی لایه لای پاراگراف های مربوطه گفته شدن).

قرن هفتم

برخی عوامل سیاسی و اجتماعی، مثل:

- روی کار آمدن حکومت های غزنوی و سلجوقی
- تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم

تغییر سبک در متون زبان فارسی

سبک های «بینابین» و «آذربایجانی» از سبک «خراسانی» فاصله گرفتند و کم کم سبک «عراقی» به وجود آمد.

(# دیگه چه خبر؟) سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم، یعنی ۳۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.

مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ ه.ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب عمده ای رساندند.

خراسان، که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد.

بسیاری از مدارس که مهد علم و فرهنگ بودند از بین رفتند.

بزرگانی چون: نجم الدین کبری، فریدالدین عطار نیشابوری کشته شدند.

با حمله ویرانگر مغول و بعد از آن هجوم وحشیانه تیمور^۱ و حکومت ظالمانه این دو، علاوه بر بناها و آبادانی ها، بنیان فرهنگ و اخلاق نیز ویران گردید.

دوستداران فرهنگ و اخلاق، که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند.

به تصوف پناه بردند تا به آرامش برسند.

عواطف انسانی

برای تسکین خود به

ادبیاتی روی آوردند که

به این موارد تکیه داشت:

- ترویج روحیه تساهل و تسامح
- خدمت به خلق
- آزادی
- اعتقاد به بی ثباتی دنیا

(# دیگه چه خبر؟) کمال الدین اسماعیل^۲ مداح جلال الدین خوارزمشاه که خود در سال ۶۳۵ ه.ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد دربارۀ قتل عام سال ۶۳۳ ه.ق. در اصفهان می گوید:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید
دی بر سر مرده ای دوصد شیون بود

بر حال تباه مردم بد گرید
امروز یکی نیست که بر صد گرید

با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی و نگارش به آن زبان، از رواج افتاد.

توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود رونق بیشتری گرفت.

در اواخر حکومت مغول بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله برچیده شد.

۱- البته حمله تیمور و حکومت تیموریان بعد از قرن ۷ بود، اما کتاب درسی این را بهش اشاره کرده، ما هم گفتیم اشاره کنیم!

۲- این فلشای نقطه چین دار رو برای این می کشم که نکته های ریز و تست فیز! لایه لای جمله های یکتوافقت کم نشن! هواسن پهبون باشه.

• بعد از حمله مغول، کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد.
• شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره (عراقی) غالباً از شهرهای اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و ... بودند.

«بنابراین به سبک این دوره «عراقی» می‌گویند. (پس آگه پرسیدن «دلیل نام‌گذاری سبک عراقی چیست؟» می‌پوای می‌دی؟)

(#دیگه چه خبر) اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به طور کامل ویران نشده بود.

«زبان و ادبیات فارسی مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و ناپسامانی گردید.

• (در این دوره) بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته یا متواری شدند.
• دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود.

دیگه چه خبر: (#نه به پودر کردن مغولان! #حالا در این حر هم نه دیگه!)

• در این دوره، عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و دانشمندان را موجب شد.

«زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت.
• در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آن‌ها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد.

• قدرت از خراسان به مرکز ایران انتقال یافت.

• در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

وضعیت شعر و نثر در این دوره

قصیده — که پیش از این، در خدمت ستایش فرمانروایان بود — کم‌رنگ شد.

غزل — که زبان دل و عشق بود، — گسترش یافت.

مثنوی — برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد (در نمونه‌های ارزشمندی مثل مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد).

ساده‌نویسی: در آثاری چون طبقات ناصری و مرصادالعباد پیچیده‌نویسی: عمدتاً با محتوای تاریخ حاکمان وقت، در آثاری چون تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جویی

• شعر این عصر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد.

(یادته گفتیم شاعرا به تصوف رو آوردن تا به آرامش برسین؟)

• اکثر شاعران از حاکمان رو برگرداندند.

(آهه کاکمای مغول لطیف و افساساتی و اهل شعر بودن، واسه همین، شاعرا رو خیلی تو دربار تعویل می‌گرفتن، شاعرا هم جنبه شو نداشتن کات کردن با کلام!)

نثر — در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد

قرن هشتم

• بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج

«فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذاهب مختلف، عقاید خود را ابراز کنند.

(#دیگه چه خبر) قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی عرصه وسیعی یافت؛ به طوری که — از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند.

• عراق عجم و مهم‌تر از آن، شهر شیراز، هم‌چنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رفت.

«قصیده‌سرایی از رونق افتاد (یادتونه گفتیم تو قرن ۷ قصیده کمرنگ شده بود؟)

• دربارهای ادب‌دوست ایرانی از بین رفتند.

قرن نهم

• بعد از غارت و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حمله بنیان‌برانداز دیگری شد. این حمله به وسیله تیمور گورکانی صورت گرفت.

«بنیه فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید.

• آن‌چه پس از حمله مغول سالم یا نیمه‌سالم مانده بود مثل فارس، یا در زمان ایلخانان مختصر تجدید حیات یافته بود؛ همه از میان رفت.

(#دیگه چه خبر) تیموریان تقریباً از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنان ادامه داشت.

«هنرهای چون مینیاتور، معماری و تذهیب گسترش پیدا کرد.
• تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت.

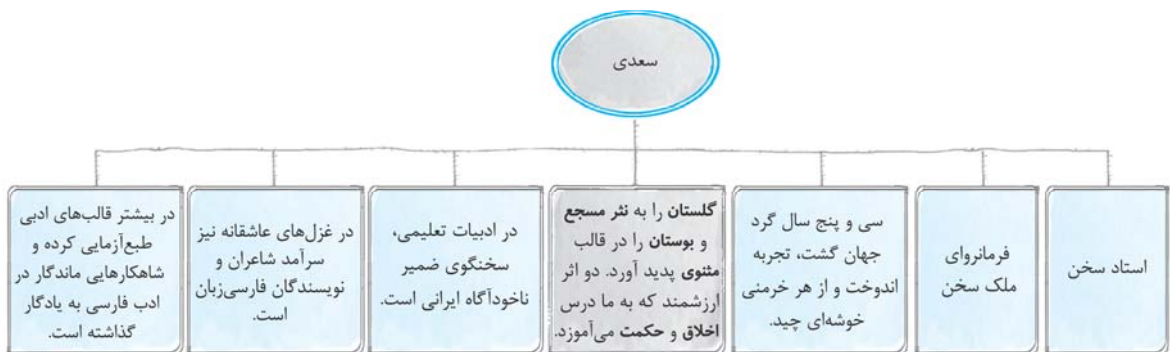
«ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند. البته این رونق بنیادی نبود. در این دوره کتاب‌های تحقیقی — عمدتاً سطحی، و ادبیات — تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

• بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز کم‌وبیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند.

پس از مرگ تیمور [پسرش شاهرخ] شهر هرات را مرکز فرماندهی خود قرار داد.
 به علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوشنویس، نقاش و شاعر حمایت کرد.
 نوه‌اش بایسنقر میرزا [پسر شاهرخ] هنرمند و هنردوست بود.
 در زمان او، هنرمندان قرآن کریم و شاهنامه را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند.
 آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه شد.
 در این بخش به ترتیب قرن‌ها، با نویسندگان و شاعران این دوره آشنا می‌شویم. (#آدم حسایی #شاخ)

معروف‌ترین شاعران و نویسندگان این دوره

شاعران و نویسندگان قرن هفتم



ویژگی‌های مثنوی عشاق‌نامه: در هر فصل آن به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است.
 ویژگی‌های لمعات: در این کتاب، سیر و سلوک عارفانه در قالب نظم و نثر بیان شده است.

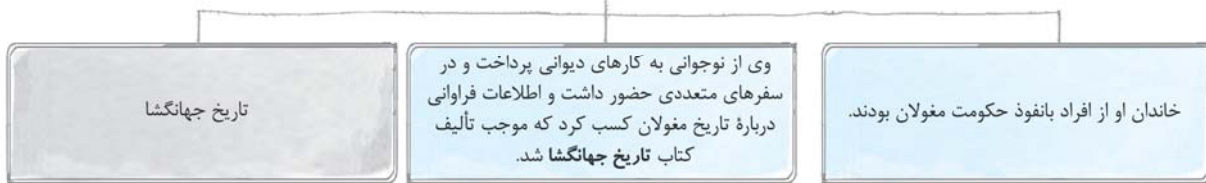


ویژگی‌های مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد:

- در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی
- در خلال موضوعات کتاب، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.
- در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا برخوردار است.

۱- توکارهای مربوط به شاعران و نویسندگان، کادری رو که از تألیفاتشون نام می‌بره هایلایت کردیم تا برای مرور راحت‌تر باشی.

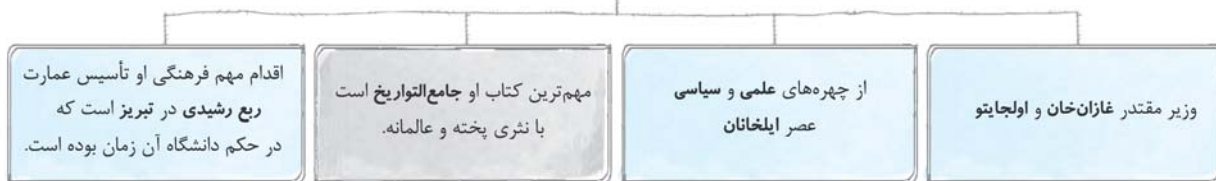
عطاملک جوینی



ویژگی‌های تاریخ جهانگشا:

در شرح ظهور چنگیز و احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشیدالدین
فضل‌الله همدانی



شمس قیس رازی

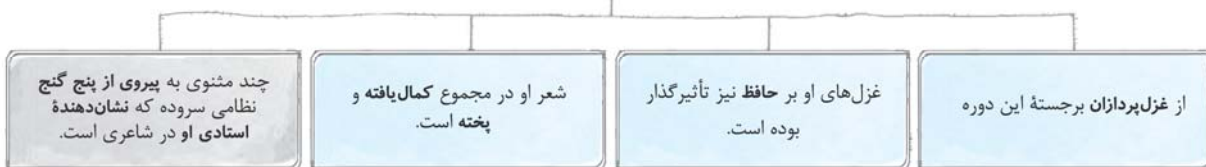


ویژگی‌های المعجم:

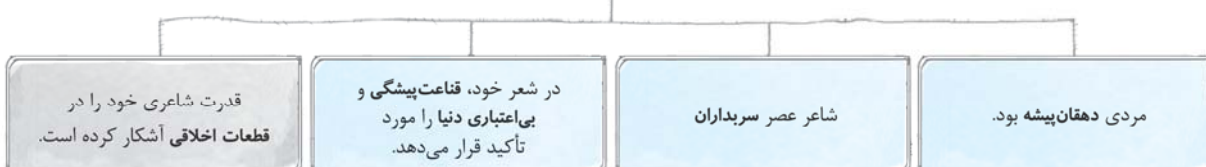
از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است که در مقدمه، نثری مصنوع و در اصل کتاب، نثری ساده و عالمانه دارد.

شاعران و نویسندگان قرن هشتم

خواجوی کرمانی



ابن یمین

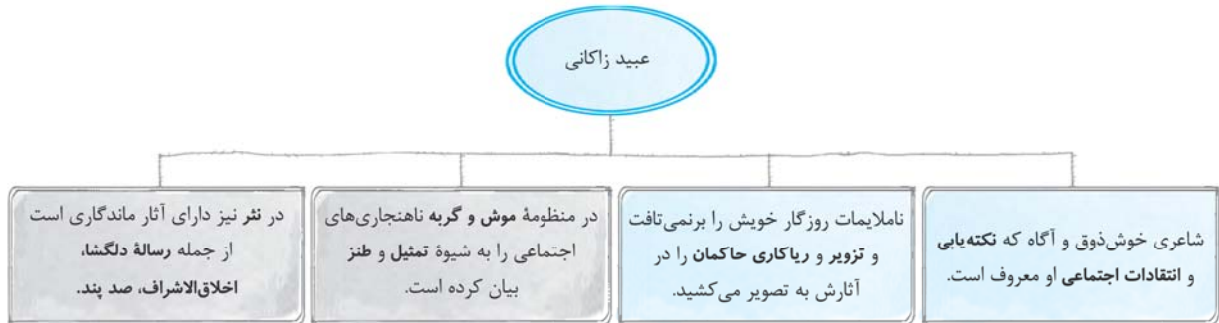
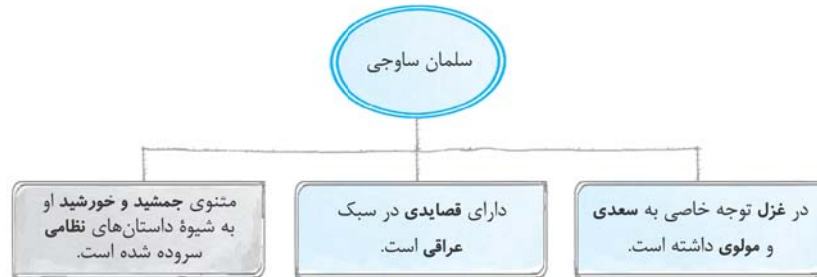
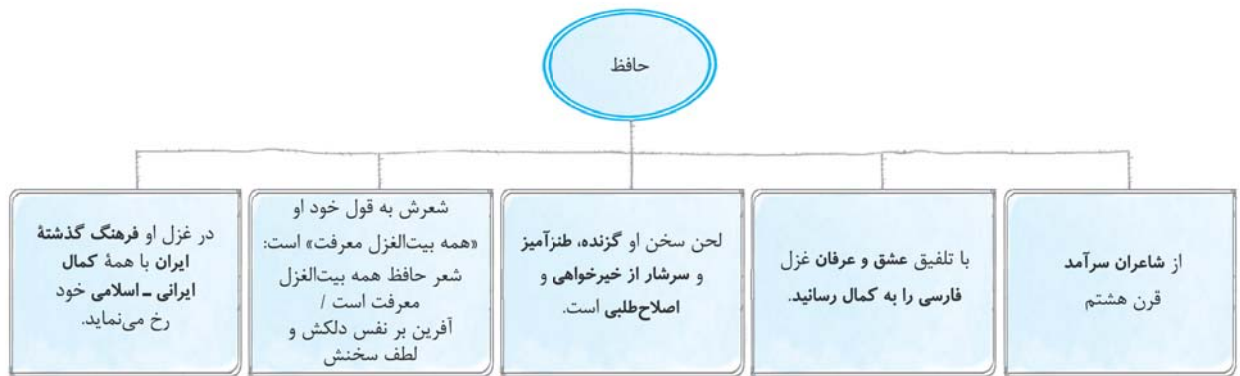


نمونه‌ای از اشعار ابن یمین:

گرچه خوش‌خو و عاقل و داناست
که از ایشان به مالش استغناست
گرچه در علم، بوعلی سیناست

مرد آزاده در میان گروه
محترم آن‌گهی تواند بود
وان که محتاج خلق شد خوار است

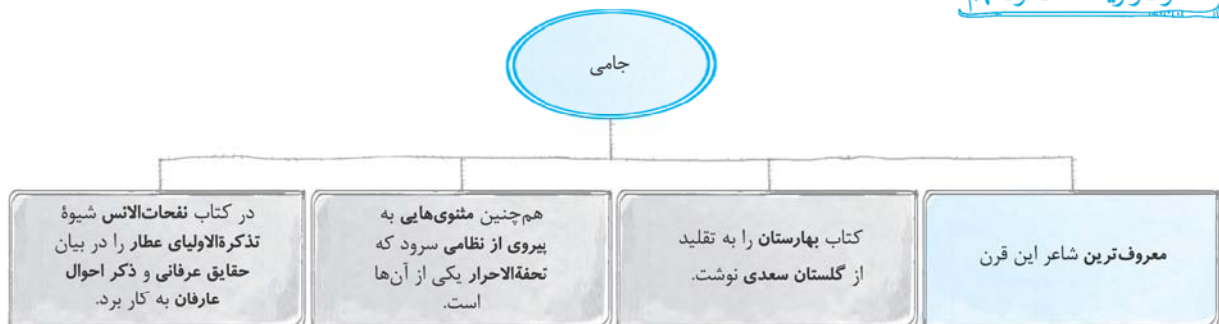




ویژگی کتاب «تاریخ گزیده»:

این کتاب، تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ ه.ق در بر می گیرد.

شاعران و نویسندگان قرن نهم

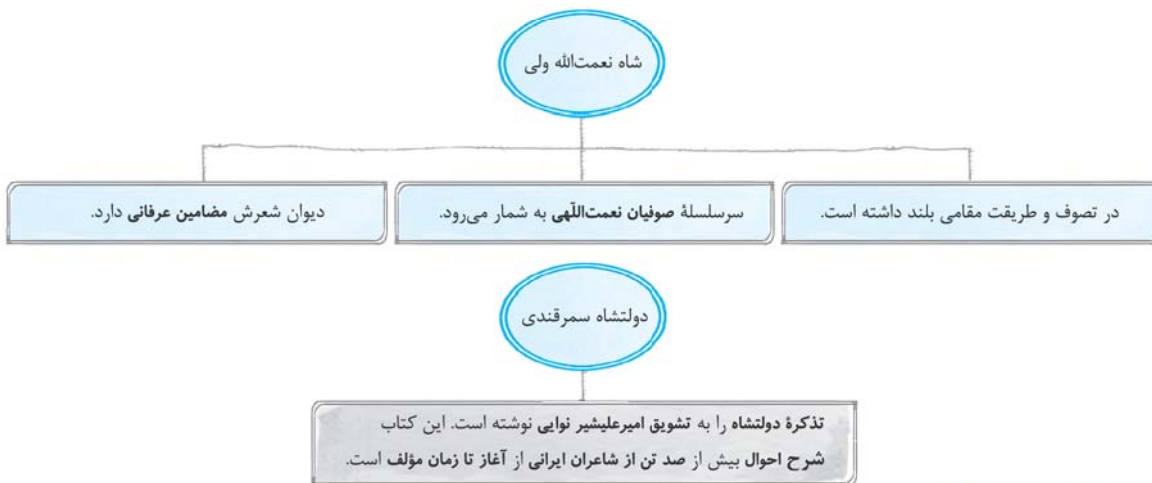


نمونه ای از ابیات تحفه الاحرار:

گای شده مستغرق دریای عشق
عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
گفت که ای محو امید و هراس
اول و آخر همه عشق است و بس

گفت به مجنون صمنی در دمشق
عشق چه و مرتبه عشق چیست؟
عاشق یکرنگ و حقیقت شناس
نیست به جز عشق در این پرده کس





کنکور باکسل

مرور خلاصه درس - اوضاع کلی:

قرن هفتم

فاصله گرفتن سبک از «خراسانی» و نزدیک شدن به «عراقی»

گسترش یافتن زبان فارسی در ناحیه عراق عجم

● حمله مغول‌ها (از شمال شرق) به ایران ← ویرانی خراسان ← انتقال مراکز فرهنگی و ادبی از خراسان (شمال شرق ایران) به عراق عجم مرکز ایران

● سبک عراقی ← سبک غالب ادبیات از قرن ۷ تا قرن ۱۰ (۳۰۰ سال)

● حمله مغول‌ها و تیموریان ← ویرانی فرهنگ و اخلاق (علاوه بر بناها و آبادانی‌ها) ← منزوی شدن دوستداران فرهنگ و اخلاق ← پناه بردنشان به تصوف

● برچیده شدن بساط خلافت آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله در اواخر دوره مغول (پایان یافتن خلافت عربی) ← از رواج افتادن زبان رسمی و رایج عربی (که زبان رسمی بود) ← رونق گرفتن بیشتر زبان فارسی (که زبان توده مردم بود)

● پریشانی و نابسامانی اوضاع ایران ← سستی و نابسامانی ادبیات

● آغاز شدن اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان

● شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره ← عمدتاً از اهالی اصفهان، همدان، ری و اراک کنونی

● پدید آمدن قالب‌های جدیدی در نظم و نثر

● گسترش یافتن غزل (زبان دل و عشق) و مثنوی (میدان ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان)

قرن هشتم

● بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج ← ایجاد فرصت برای ابراز عقاید صاحبان مذاهب مختلف

● گسترش قلمرو زبان و فرهنگ فارسی ← سخن گفتن بسیاری از مردم، از شبه‌قاره هند تا آسیای مرکزی، به زبان فارسی

● به سستی گرویدن زبان شعر (به‌جز شاعران شاخص مثل خواجو و حافظ)

قرن نهم

● تداوم حکومت و ویرانگری‌های تیموریان در ایران از نیمه دوم قرن ۸ تا اوایل قرن ۱۰

● گسترش مینیاتور، معماری و تذهیب

● تأثیرپذیری بازماندگان تیمور از فرهنگ ایرانی

● رونق گرفتن دوباره ادبیات، البته رونقی نه‌چندان بنیادی

● پسرش شاه‌رخ، هرات را مرکز فرماندهی قرار داد و از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت کرد.

● بایسنقر میرزا (پسر شاه‌رخ) نیز هنرمند و هنردوست بود. در زمان او قرآن کریم و شاهنامه به خط خوش نوشته و

با تصاویری زیبا آراسته شد و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه گردید.

● رونق گرفتن دوباره ادبیات، البته رونقی نه‌چندان بنیادی

کنکور باکسل

نکات ریز مربوط به افراد:

● نجم‌الدین کبری، فریدالدین عطار نیشابوری و کمال‌الدین اسماعیل ← به دست مغولان کشته شدند.

● کمال‌الدین اسماعیل ← مداح جلال‌الدین خوارزمشاه بود

• المستعصم بالله ← آخرین خلیفه عباسی

وزیر غازان خان و اولجایتو

• خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

مؤسس عمارت ربع رشیدی در تبریز

کنکور باکس ۳

افرادی که از دیگران تقلید و پیروی کردند یا اثر پذیرفتند:

• حافظ ← از خواجهی کرمانی

• خواجه ← از نظامی (چند مثنوی به پیروی از پنج گنج سرود)

بهارستان را به تقلید از گلستان سعدی نوشت.

از سعدی و مولوی در غزل

• جامی

مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود (از جمله تحفة الاحرار).

• سلمان ساوجی از نظامی در مثنوی جمشید و خورشید

نفحات الانس را به تقلید از تذکرةالاولیای عطار نوشت.

کنکور باکس ۴

کتاب‌ها و تألیفات مهم^۱

نام کتاب	نظم / نثر	موضوع	نویسنده	نکات مهم
طبقات ناصری	نثر ساده	تاریخ		• در قرن ۸ نوشته شد.
مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد	نثر ساده گاهی دارای سجع و موازنه	سلوک دین و تربیت نفس انسانی	نجم‌الدین (دایه) (با نجم‌الدین کبری) اشتباه نکنید.	• احادیث، آیات و اشعاری از خود شاعران دیگر نقل می‌کند. • در قرن ۷ نوشته شد.
تاریخ و صاف	نثر پیچیده	تاریخ حاکمان وقت		• قرن ۷
تاریخ جهانگشا	نثر مصنوع و دشوار	تاریخ	عطاالملک جوینی	• در شرح ظهور جنگیزخان و احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده. • قرن ۷
مثنوی معنوی	نظم، قالب مثنوی	معارف بشری و مسائل عرفانی	مولوی	• قرن ۷
دیوان شمس	نظم، قالب غزل	معارف بشری و مسائل عرفانی	مولوی	• قرن ۷
گلستان	نثر مسجع	اخلاق و حکمت	سعدی	• قرن ۷
بوستان	نظم، قالب مثنوی	اخلاق و حکمت	سعدی	• قرن ۷
عشاق‌نامه	نظم، قالب مثنوی	عرفان	فخرالدین عراقی	• تمثیل و حکایت • قرن ۷
لمعات	نظم و نثر	سیر و سلوک عارفانه	فخرالدین عراقی	• قرن ۷
جامع‌التواریخ	نثر پخته و عالمانه	تاریخ	خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی	• قرن ۷
المعجم فی معاییر اشعار العجم	نثر مصنوع در مقدمه، نثر ساده و عالمانه در اصل کتاب	علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر	شمس قیس رازی	• قرن ۲۷
جمشید و خورشید	نظم، قالب مثنوی		سلمان ساوجی	• به شیوه داستان‌های نظامی • قرن ۸

۱- در جدول، فقط آن دسته از اطلاعاتی را آورده‌ایم که در کتاب درسی شما ذکر شده است.

۲- می‌توانستیم کتاب‌ها را طبق قرن دسته‌بندی کنیم و می‌توانستیم سطر جدول نویسی قرن فلان اما به دو دلیل این کار نکردیم: ۱) مجموعه کتاب‌های یک قرن روی بار تو درس‌نامه در قالب تیرهای کلی فونتی، دوباره‌کاری می‌شد. ۲) توی مرور، قراره تک به تک مشق‌ها کتاب‌ها رو به قاطر بسیاری، توی سؤال‌ها و تست‌ها غالباً اسم یک یا چند کتاب میاد و تو باید فوری همه مشق‌ها تشویب‌اری تو ذهنت، مثل همین جدول دقیقاً!

نام کتاب	نظم / نثر	موضوع	نویسنده	نکات مهم
منظومهٔ موش و گربه	نظم	ناهنجاری‌های اجتماعی	عبید زاکانی	❖ به شیوهٔ تمثیل و طنز ❖ قرن ۸
رسالهٔ دلگشا	نثر		عبید زاکانی	❖ قرن ۸
اخلاق الاشراف	نثر		عبید زاکانی	❖ قرن ۸
صد پند	نثر		عبید زاکانی	❖ قرن ۸
فیه مافیه	نثر			❖ مولانا گفته و شاگردانش نوشته‌اند. ❖ قرن ۷
مجالس سبیه	نثر			❖ مولانا گفته و شاگردانش نوشته‌اند. ❖ قرن ۷
مکاتیب	نثر			❖ نامه‌های مولانا به قلم خود او و نمودار سبک نثر وی ❖ قرن ۷
تاریخ گزیده	نثر	تاریخ	حمدا لله مستوفی	❖ تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ ه.ق. ❖ قرن ۸
بهارستان	نثر مسجع		جامی	❖ به تقلید از گلستان سعدی ❖ قرن ۹
تحفة الاحرار	نظم، قالب مثنوی		جامی	❖ به پیروی از نظامی ❖ قرن ۹
نفحات الانس	نثر	بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان	جامی	❖ به تقلید از تذکرة الاولیای عطار ❖ قرن ۹
تذکرة دولتشاه	نثر	شرح احوال بیش از صد تن از شعرای ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف	دولتشاه سمرقندی	❖ به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته شد. ❖ قرن ۹





مقدمه

(# جریان چیه؟) تا الان برای تشفیص وزن عروضی شعرها، سه قدم برداشتی:

- ۱ خط عروضی: یادگرفتی برای تعیین وزن به شعر، اون رو درست و به همون شکلی که تلفظ می‌کنی، بنویسی.
- ۲ تقطیع هجایی: این که به شعر رو بر مبنای فط عروضی به هجاهای کوتاه و بلند و کشیده تقسیم کنی، هجاها رو مرزبندی کنی و علامت هر کدوم رو زیرش بنویسی.
- ۳ جداسازی پایه‌های آوایی: این که پایه‌ها (ارکان) آوایی هر مصرع رو تشفیص بدی و اونو به تعداد مشفمی از پایه‌های آوایی تقسیم کنی.

زاویه دید

تو این درس قراره دو تا کار خیلی مهم بکنی، یکی شناختن وزن و واژه‌ها یا ارکان شعر فارسی و یکی آشناسدن با فندتا از پایه‌های آوایی همسان.

پایه‌های آوایی همسان

(# سه چهار قلوهای افسانه‌ای!) هنگامی که پایه‌های آوایی یک بیت را درست و دقیق شناسایی کنید، می‌بینید این پایه‌های آوایی هماهنگی خاصی دارند؛ یعنی می‌توان هر مصرع را به سه یا چهار دسته (یا پایه) تقسیم کرد که هر کدام از این پایه‌ها سه یا چهار هجا دارند. اما پایه‌های آوایی همسان چیست؟ با دقت به این مثال، خواهید فهمید. می‌خواهیم بیت زیر را تقطیع و پایه‌های آوایی آن را مشخص کنیم:

مثال ۱ دلم جز مهر مهریانی طریقی بر نمی‌گیرد ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد **حافظ**

پایه‌های آوایی	د لَم جُز مِه	ر مَه رَو یَا	ط ر ی ق ی بَر	ن م ی گ ی ر د
نشانه‌های هجایی	ز هَر دَر م ی	د ه م پَن د ش	و ل ی ک ن دَر	ن م ی گ ی ر د
معادل صوتی	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت

تو این سطر به کار ساده کردیم، به پای هجاهای کوتاه گذاشتیم «ت» و به پای بلندها گذاشتیم «تن». اسمشو هم می‌ذاریم معادل صوتی یا آوایی یا ...

خب! می‌دانید که هر کدام از ستون‌های این جدول نماینده یک پایه آوایی است. این بیت چهار پایه آوایی دارد. حالا به تقطیع هجایی هر کدام از پایه‌های آوایی (سطر یکی به آخر جدول) نگاه کنید. بین آن‌ها تفاوتی می‌بینید؟ نه! همگی یک شکل دارند (ل — — —). معادل‌های صوتی تمام این پایه‌های آوایی هم یکسان است (ت ت ت ت ت). تمام شد و رفت! «اگر یک مصرع (یا بیت) از پایه‌های آوایی یکسان و تکراری تشکیل شده باشد، این پایه‌های آوایی را «همسان» نامیده و چنین مصرع (یا بیتی) را دارای «وزن همسان تک پایه‌ای» به شمار می‌آوریم.»

دقت کنید در مثال قبل، کل وزن مصرع از چهار مرتبه تکرار پایه آوایی (ل — — —) (ت ت ت ت ت) شکل گرفته است.

مثال ۲ روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد **قائم مقام فراهانی**

پایه‌های آوایی	رَو ز گَا زَس	ت ی ی ک گ ه عَز	ز ت د ه د گ ه	خَا ر_* دَا ر د
نشانه‌های هجایی	چَر خ بَا ز ی	گَر اَ ز ی ی بَا	ز ی چ ه ا پَس	یَا ر_* دَا ر د
معادل صوتی	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت	ت ت ت ت ت

* هجای کشیده «خار» در مصرع اول و «یار» در مصرع دوم، هر کدام جای یک هجای بلند و یک هجای کوتاه را در پایه آوایی مربوط به خودشان پر کرده‌اند.

حتماً تشخیص دادید که این‌جا هم با وزن همسان تک پایه‌ای طرفیم:

- ۱ پایه‌های آوایی کاملاً شبیه هم هستند (ل — — —) / (ت ت ت ت ت) — پایه‌های آوایی همسان داریم.
- ۲ تمام مصرع‌ها فقط از تکرار یک پایه آوایی (ل — — —) (ت ت ت ت ت) ساخته شده‌اند — بیت دارای «وزن همسان تک پایه‌ای» است.

فب، هالا که با اصل ماہرا آشنا شدی به دوتا نکته توجه کن:

نکته ۱

در دو مثال قبلی، در هر مصرع چهار پایه آوایی داشتیم. در بعضی مصرع‌ها ممکن است سه پایه آوایی وجود داشته باشد.

گاهی آخرین پایه آوایی مصراع‌ها، یک یا دو هجا کم‌تر از باقی پایه‌های آن مصراع دارد. (مثلاً در بیتی، سه پایه آوایی (— — —) / (تن — تن —) است و آخری (— — —) / (تن — تن —) در این حالت، باز هم بیت را دارای وزن همسان تک‌پایه‌ای به حساب می‌آوریم. (در واقع به خاطر اون یکی دو تا هجا معامله رو به هم نمی‌زنیم دیگه!)

حال با توجه به این نکات، به دو مثال زیر توجه کنید:

مثال ۳ من آن شمع که در شب‌زنده‌داری همه شب می‌کنم چون شمع زاری **نقلمی**

پایه‌های آوایی	م	نَ	نَ	شَم	عَم	ک	دَر	شَب	زَن	د	دَا	رِی
هَ	مَ	شَب	مِی	کُ	نَم	چُن	شَم	عَ	زَا	رِی		
نشانه‌های هجایی	تَ	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن
معادل صوتی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

☆ هجای کوتاه «م» در مصراع دوم را، به ضرورت وزن شعر، معادل هجای بلند حساب می‌کنیم.

☆ هجای کشیده = یک هجای بلند + یک هجای کوتاه

۱ در این مثال سه پایه آوایی داریم که کاملاً مشابه‌اند، فقط پایه آوایی آخر یک هجا کم دارد که با توجه به نکته ۲، می‌توان بیت را دارای وزن همسان تک‌پایه‌ای دانست.

۲ به بیت مثال (۱) دقت کنید. پایه آوایی در آن بیت و بیت این مثال یکسان است (— — —) (تَن — تن —). فقط این پایه آوایی در مثال (۱)، چهار بار و در این مثال سه بار تکرار شده است.

توجه تو درس قبلی گفتیم گاهی وقتاً به هجای کوتاه رو به ضرورت وزن معادل هجای بلند در نظر می‌گیریم، اما مطمئناً هجا نیستیم هر جایی این کار رو انجام بدیم! درک کامل این که کدامی‌ش از این اختیار شاعری استفاده کرد، وابسته به تکرار و تمرینه و این که مبحث اختیارات شاعری رو تو مقطع دوازدهم بفونید؛ اما الان که ارکان عروضی رو شناختید می‌تونید تشفی‌ش دقیق‌تری بدید. فرض کنید به بیت رو درست و دقیق تقطیع کردید، تمام پایه‌های آوایشو هم به دقت درآورید و ارکان عروضی معادلشون هم پیدا شده. این وسط توکل بیت فقط تعداد خیلی کمی از هجاها رو مدیکی دو سه تا با ارکان عروضی و نشانه‌های هجایی پور درمیان. اون جاس که می‌تونید درس بزنید شاعر از اختیار وزنی استفاده کرده.

مثال ۴ بشنو از نی چون حکایت می‌کند وز جدایی‌ها شکایت می‌کند **مولوی**

پایه‌های آوایی	بِش	نُ	اَز	نِی	چُن	ح	کَا	یَت	مِی	کُ	نَد
وز	جُ	دَا	یِی	هَا	شُد	کَا	یَت	مِی	کُ	نَد	
نشانه‌های هجایی	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
معادل صوتی	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن	تَن

• سه پایه آوایی
• پایه‌ها تکراری و مشابه
• آخرین پایه یک هجا کم دارد.
• بیت دارای وزن همسان تک‌پایه‌ای است.

• پایه‌های آوایی این بیت و مثال (۲) یکسان است، (— — —) این جا ۳ بار و در مثال (۲) چهار بار تکرار پایه اتفاق افتاده.

برخی از وزن‌ها یا ارکان شعر فارسی

در این بخش به یکی از مهم‌ترین مباحث عروض خواهیم پرداخت. هنگام تعیین پایه‌های آوایی بیت‌ها دیدیم که می‌توان آن‌ها را با واحدهای مشابهی معادل‌سازی کرد (مثلاً «تَن — تن —»)

حالا خایده این معادل‌سازی پیه؟ مثال (۱) رو یاد ته؟ پایه‌های آوایش پی بود؟ «رِ لَمْ یُزْ مِه»، «رِ مَه رِو یان»، «طَرِ قِی بر»، «نِ می گِی رد». ظاهر این چهار تا پایه متفاوت، اما ریتمشون یکیه «تَن — تن —». خایده معادل‌سازی اینه که شباهت ریتم و وزن این پایه‌ها رو بهتر نشون می‌ده، با یه شکل قراردادی یکسان، مثل «تَن — تن — تن» یا مثلاً «مَ فَا عِ لَن» این واحدهای قراردادی را (که با پایه‌های آوایی مصراع، معادل و متناظر می‌شوند)، وزن‌واژه‌ها یا ارکان عروضی می‌گوییم.

مهم‌ترین وزن‌واژه‌های شعر فارسی

بایستی حتماً این وزن‌واژه‌ها را حفظ باشید و ریتم آن‌ها را آویزه گوش‌تان کنید! (* فُشْت اولِ پورن نه‌د معمار راست!)

رکن	فَعُولُنْ	مَفَاعِلُنْ	فَاعِلَاتُنْ	مُسْتَفْعِلُنْ	فَعْلَاتُنْ	مُفْتَعِلُنْ
نشانه هجایی	— — — — —	— — — — —	— — — — —	— — — — —	— — — — —	— — — — —
مثال لغوی	تَهْمَتُنْ	مَکُنْ یَا رَا	بِشْنُو اَز نِی	ای عاشقان	بِشْکَسْتَمْ	خنده شدم
مثال ریتمیک	تَن — تن —	تَن — تن —	تَن — تن —	تَن — تن —	تَن — تن —	تَن — تن —

• یکی از اصلی‌ترین قدم‌ها در یافتن وزن یک شعر، این است که پس از تشخیص پایه‌های آوایی آن، بتوانید پایه‌های آوایی را بر این وزن‌واژه‌ها منطبق کنید و وزن عروضی شعر را به دست بیاورید. (شبیه بازی پازل. پایه‌های آوایی رو مشخص می‌کنید و بعد می‌گردید ببینید بین این ۶ تا وزن واژه کدام یکی با ریتم اون پایه هفت و پور می‌شه.)



می توان وزن همسان تک پایه ای را این طور تعریف کرد: وزنی که در هر مصراع آن یکی از «ارکان عروضی» سه یا چهار مرتبه تکرار شده باشد.^۱

تمرین کلمات و عبارات پیشنهادی کدام گزینه، به ترتیب معادل با وزن واژه های «فعولن، مفاعیلن و فاعلاتن» است؟

- (۱) بگویم، مرا ببین، تا بدانم
(۲) چنین باشد، مرا بشنو، شهر بازی
(۳) چنین شد، مرا دیدی، هر چه خواهی
(۴) می گویم، مرا گفתי، هر که بامش

پاسخ	گزینه ۲	چ	ن	خ	ه	م	ر	ا	د	ی	ه	ر	چ	خ	ه
فاعولن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
مفاعیلن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
فاعلاتن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

واژه های غلط در باقی گزینه ها:

- ۱ م ر پ بین ≠ مفاعیلن (— — — — —)
۲ چنین باشد (— — — — —) ≠ فاعولن (— — — — —)
۳ چنین شد، مرا دیدی، هر چه خواهی
۴ می گویم (— — — — —) ≠ فاعولن (— — — — —)

تمرین در کدام گزینه، وزن واژه های معادل کلمات «جانان من، که ببندی، گریه بدم» به ترتیب درست آمده است؟

- (۱) مستفعلن، مفاعیلن، فاعلاتن
(۲) مستفعلن، فاعلاتن، مفتعلن
(۳) مفتعلن، فاعلاتن، مستفعلن
(۴) مفتعلن، مفاعیلن، فاعلاتن

پاسخ	گزینه ۲	ج	ا	ن	م	ک	ب	ب	د	ی	گ	ر	ب	ب	د
مستفعلن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
فاعلاتن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
مفتعلن	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

متخصص عروضی!

پس از آشنایی با ارکان عروضی، تقریباً اصلی ترین قدم ها برای تعیین وزن عروضی را برداشته اید. تمامی اوزان شعر فارسی یا مستقیماً از همین ارکان تشکیل شده اند یا از ارکان فرعی خاصی که با اعمال تغییراتی در ارکان اصلی به وجود آمده اند (مثلاً رکنی مثل فاعِلن که با حذف هجای پایانی رکن فاعلاتن ایجاد شده است.^۲ فاعلا = فاعِلن^۳) از این پس، در زمان خواندن یک شعر بایستی به دنبال این باشید که موسیقی آن با کدام وزن واژه ها مطابقت می کند.

مثال زیر برای درک این انطباق ها به شما کمک خواهد کرد:

مثال ۵ رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا مولوی

پایه های آوایی	رس ت م ز	بیت غ زل	ای شه سل	طا ن ا زل
مفت ت ع لُن	مفت ت ع لُن	مفت ت ع لُن	مفت ت ع لُن	مفت ت ع لُن
— U U —	— U U —	— U U —	— U U —	— U U —
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

بیت دارای وزن همسان تک پایه ای است، با چهار بار تکرار رکن چهارهجایی مفتعلن

کشت هجای کشیده «کشت» ← یک هجای بلند (کش) + یک هجای کوتاه (ت)

دلیل اصلی انتخاب بیت بالا به عنوان مثال، این بود که انطباق پایه های آوایی، با وزن واژه های معادلشان برای شما ملموس تر شود. وقتی مصراع اول بیت را می خوانید، باید ناخودآگاه ریتم (مفتعلن) به ذهنتان برسد، یعنی تشخیص بدهید پایه های آوایی این شعر، معادل با وزن واژه «مفتعلن» هستند. اتفاقی که در خود مصراع دوم شعر رخ داده است، یعنی در سه پایه آوایی اول مصراع دوم این شعر، اصلاً خود لغت «مفتعلن» به کار رفته است. (دلیل دیگر این که بدویند پناز مولوی هم گاهی مثل شماها از عروض شاکلی می شده!)

درس «پایه های آوایی همسان (۱)» در کتاب درسی شما، به اوزان عروضی همسانی که از تکرار منظم وزن واژه های «مفاعیلن» و «فاعلاتن» ساخته می شوند پرداخته است. ما هم از این جا به بعد به وزن های عروضی همسان ساخته شده از این دو رکن می پردازیم، با شرح و مثال های بیشتر.

الف) وزن واژه یا رکن مفاعیلن (— — — — —، ت ت ت ت ت)

- ۱- مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۲- مفاعیلن مفاعیلن مفاعی (=فعولن)^۴ ← وزن اصلی قالب دوبیتی

۱- البته ممکن است در آخرین پایه آوایی، یک یا دو هجا از آخر این رکن عروضی حذف شده باشد؛ همان مطلبی که در نکته ۲ گفتیم.
۲- این مبحت، یعنی استخراج ارکان فرعی با اعمال تغییراتی در ارکان اصلی، یکی از مباحث مهم عروض است که در بحث «زحافات» بررسی می شود، اما جزء مطالب درسی شما نیست.
۳- این تساوی از نوع عروضی و هجایی است نه از نوع ریاضی! یعنی از نظر برابری و یکسانی هجاهای کوتاه و بلند: فاعلا (— — — — —) = فاعِلن (— — — — —)
۴- به تساوی عروضی دیگر، مفاعی (— — — — —) = فعولن (— — — — —)

مثال ۱۰ خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگه دار از زوالش *حافظ*

پایه‌های آوایی	خُ شَا شِیْ رَا	رُ وُضِعَ	بِی	مِ ثَا لَش
نشانه‌های هجایی	خُ دَا وُن دَا	نِ گَ ه دَا رَز	رِ وَا لَش	
وزن و اژه‌ها	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی (فعولن)	

این هجا (هجای هفتم مصراع اول) کوتاه است، در حالی که هجای متناظر آن در مصراع دوم (یعنی «دا») و هجای متناظرش در وزن و اژه «مفاعیلن» (یعنی «عی») بلند هستند؛ پس آن را هجای بلند محسوب می‌کنیم.

مثال ۱۱ اَلَا یَا اَیْهَا الطَّلَابُ نَاشِی عَلَیْکُمْ بِالْمُتُونِ لَا بِالْحَوَاشِی

(داره به دانش آموزای هواس پرت می‌گه؛ ای دانش آموزای ناشی، به متن‌ها تویه کنید نه به هاشیه‌ها!) *فط عرویش اینه*؛

اَلَا یَا اَیْهَا طَلَابُ نَاشِی عَلَیْکُمْ بِلْمُتُونِ لَا بِالْحَوَاشِی

پایه‌های آوایی	أ لَا یَا أَى	یُ هَطَطْلُ لَا	بِ نَاشِی
نشانه‌های هجایی	عَ لَیْ کَم بِلَ	مُ تَوَکَّلَا لَا بِلَ	حَ وَا شِی
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی (فعولن)

چند بیت دیگر در این وزن:

به دریا بنگرُم دریا ته ویئُم به صحرا بنگرُم صحرا ته ویئُم *باباطاهر*
مرا آن گوشه چشم دلاویز به کشتن می‌کند گویی اشارت *سعدی*
بُرد از من قرار و طاقت و هوش بت سنگین دل سیمین بناگوش *حافظ*

(ب) وزن و اژه یا رکن فاعلاتن (لـ، تَن تَن تَن)

با این رکن، سه وزن همسان پرکاربرد ساخته می‌شود که در کتاب درسی شما به دوتای آن اشاره شده است:
۱- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
۲- فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلا (= فاعلن)
۳- فاعلاتن فاعلاتن فاعلا (= فاعلُن)

ب-۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (لـ، لـ، لـ، لـ)

شعری که بر این وزن سروده شده باشد، در هر مصراع ۴ پایه آوایی همسان با شکل چهارهجایی (لـ، لـ) خواهد داشت. چند مثال از این وزن:

مثال ۱۲ روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد *قائم مقام فراهانی*
پایه‌های آوایی این بیتو مثل ۲ تقلید کردی، حالا مطابقشو با ارکان عروضی ببین:

پایه‌های آوایی	رَو ز گَا رَس	تَیْکَ گَ عَز	زَت د هَد گَ	خَا زَ	دَا رَد
نشانه‌های هجایی	رَو خَ بَا زِی	گَر اَ زِیْن بَا	زِی چَ هَا بَس	یَا زَ	دَا رَد
وزن و اژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

☆ هجای کشیده ← یک هجای بلند + یک هجای کوتاه

مثال ۱۳ شمع پیشت روشنایی نزد آتش می‌نماید گل به دستت خوب رویی پیش یوسف می‌فروشد *سعدی*

پایه‌های آوایی	شَم عَ پِی شَت	رَو شَ نَا یِی	نَز دِ آ تَش	مِی نُ مَ اَیْد
نشانه‌های هجایی	گُل بِ دَس تَت	خَو بَ رَو یِی	پِی شِ یَو سَف	مِی قُ رَو شَد
وزن و اژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

☆ هجاهای کشیده «شمع» و «خوب» هر کدام جای یک هجای بلند و یک هجای کوتاه را پر کرده‌اند.

۱- از آوردن این مثال‌ها، علاوه بر فیه فغان! به منظور دیگه هم دارم، این که موقع فوندرن به بیت برای تعیین وزن، ذهن و گوش‌تون کاملاً متوجه شکل صحیح فوندرن و ریتم باشه، حتی آله معنای کلماتو ندونید.

مثال ۱۴ بیدلان را چاره از روی دلارامی نباشد هر که عاشق گردد او را در دل آرامی نباشد *اوهی مراغه‌ای*

پایه‌های آوایی	بی د لا را	چا ر از رو	ی د لا را	می ن با شد
نشانه‌های هجایی	— — U —	— — U —	— — U —	— — U —
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

هجای نهم مصراع اول را که هجایی کوتاه است، برای برابری آن با هجای متناظر مصراع بعد («ذر») و رکن فاعلاتن (— «فا»)، بلند به حساب می‌آوریم.

چند بیت دیگر در این وزن:

خوش بود یاری و یاری بر کنار سبزه‌زاری
چشم عقلم خیره شد از عکس روی تابناکش
هین که گردن سست کردی کوکبابت کوشراست؟
مهربانان روی بر هم وز حسودان بر کناری *سهری*
روزگارم تیره شد از تار موی مُشک‌بویش *فروغی بسطامی*
هین که بس تاریک‌رویی ای گرفته آفتاب *مولوی*

ب - ۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (— U — / — — U — / — — U —)

شعری که در این وزن سروده شده باشد، در هر مصراع، چهار پایه آوایی همسان با شکل چهارهجایی (— U —) خواهد داشت که البته هجای آخر رکن پایانی آن «تن» حذف و رکن آخر به فاعلا (= فاعلن) تبدیل شده است.

مثال ۱۵ بی تکلف گر گدا گشتیم و گر سلطان شدیم دور از آن در، آن‌چه ننگ قذرها بود آن شدیم *بیدل*

پایه‌های آوایی	بی ت ک ل ف	گر گ دا گش	تیب م گر	س ل ط ل ش دیم
نشانه‌های هجایی	— — U —	— — U —	— — U —	— — U —
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

هجای آخر مصراع، از هر نوعی که باشد، بلند به حساب می‌آید.

هجای هشتم مصراع دوم را که کوتاه است، بلند در نظر می‌گیریم، برای مطابقت با هجای متناظر مصراع اول («گش» و هجای متناظر در رکن «تن»)
که هر دو بلند هستند.

هجای کشیده «قدر» — یک هجای بلند + یک هجای کوتاه

مثال ۱۶ آن تویی یا سرو بستان به رفتار آمده است؟ یا ملک در صورت مردم به گفتار آمده است؟ *سهری*

پایه‌های آوایی	آن ت ی ی یا	سر و بُس	تا نی پ زف	تا را م دست
نشانه‌های هجایی	— — U —	— — U —	— — U —	— — U —
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

هجای آخر مصراع همیشه بلند به حساب می‌آید. (دیگه یادآوری نمی‌کنیم این نکته رو، می‌دونیم هواستون هست).

هجای هفتم مصراع دوم را که کوتاه است، به هجای بلند تبدیل می‌کنیم (هراشو شد) بگید).

مثال ۱۷ ای که گفتی هیچ مشکل چون فراق یار نیست گر امید وصل باشد هم‌چنان دشوار نیست *سهری*

پایه‌های آوایی	ای ک گف تی	هی چ مُش کل	چُن ف را قی	یا ز نیست
نشانه‌های هجایی	— — U —	— — U —	— — U —	— — U —
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

هجاهای کشیده — یک هجای بلند و یک هجای کوتاه

هجای ۱۲ مصراع اول و ۴ مصراع دوم را که هجاهای کوتاه‌اند، به هجای بلند تبدیل می‌کنیم (به دلایی که می‌دونید دیگه).

چند بیت دیگر در این وزن:

عجب‌جویانم حکایت پیش جانان گفته‌اند
گفت با زنجیر در زندان شبی دیوانه‌ای
غمزه عشقت بدان آرد یکی محتاج را
من خود این پیدا می‌گویم که پنهان گفته‌اند *حافظ*
«عاقلان پیداست کز دیوانگان ترسیده‌اند» *پروین اعتصامی*
کو به یک جو برنسنجد هیچ صاحب‌تاج را *مولوی*



ب- ۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (= فاعلا) (— U — / — — U — / — U —)

شعری که بر این وزن سروده شده باشد، در هر مصراع سه پایه آوایی همسان، با شکل چهارهجایی (— U —) خواهد داشت که البته هجای آخر رکن پایانی آن، یعنی «تن» حذف و رکن آخر به «فاعلا» تبدیل شده است که آن را معادل با «فاعلن» در نظر می‌گیریم (دقت کنید نشانه‌های هجایی این دو یکسان است (— U —)).

❖ مثنوی معنوی بر این وزن سروده شده است.

مثال ۱۸) من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحلالان و خوشحلالان شدم مولوی

پایه‌های آوایی	من بِ هَر جَم عِی یَ تِی نا لا شُ دَم
نشانه‌های هجایی	جُف ٔ بَ دَ حَا لَا نُ حُش حَا لا شُ دَم
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

مثال ۱۹) روز وصل دوستداران یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد حافظ

پایه‌های آوایی	رو زِ وَصَلِ دَو سَیَّ دَا رَا یَا ذِ بَاد
نشانه‌های هجایی	یا ذِ بَا دَا رَو زِ گَا رَا یَا ذِ بَاد
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

❖ هجای چهارم مصراع اول «لِ» را که هجایی کوتاه است، به هجای بلند تبدیل می‌کنیم، برای مطابق شدن با هجای متناظر در مصراع دوم (— «دَا» و هجای متناظر در رکن (— «تَن»))

❖ تمام هجاهای مشخص شده کشیده هستند و هر کدام جای یک هجای بلند و یک هجای کوتاه را پر می‌کنند.

مثال ۲۰) دردم از یار است و درمان نیز هم دل فدای او شد و جان نیز هم حافظ

پایه‌های آوایی	دَر دَ مَزِ یَا رَسَ تَ دَر مَایِ نِی زِ هَم
نشانه‌های هجایی	دَل فِ دَا یِ اَو شَ دُ جَا نِی زِ هَم
وزن‌واژه‌ها	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

❖ هجاهای چهارم و هفتم مصراع دوم را که هجای کوتاه‌اند برای مطابق شدن با هجاهای متناظر در مصراع اول (— «یَا» و «دَر» و هجای متناظر در رکن (— «تَن» و «لَا»)، بلند به حساب می‌آوریم.

❖ هجای کشیده — یک هجای بلند + یک هجای کوتاه

چند بیت دیگر در این وزن:

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی رودکی
چون نمایی آن رخ گلرنگ را از طرب در چرخ آری سنگ را مولوی
خنده از لطف حکایت می‌کند ناله از قهرت شکایت می‌کند مولوی

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

❖ (سوالاتی این قسمت اکثر از مثال‌ها و تمرین‌های کتابه، آگه غلط داشتی معلومه هنوز مثال‌ها رو مسلط نیستی و خوب تمرین نکردی برگرد و دريابشون!)

۱۳۵- علامت‌های (— U —)، (— — U —) و (— U —) به ترتیب کدام ارکان عروضی هستند؟

- (۱) مستفعِلن - فعولن - فَعَلاتن
(۲) فاعلاتن - مفاعِلین - مَفْعَلین
(۳) فاعلاتن - فعولن - مَفْعَلین
(۴) مستفعِلن - مفاعِلین - فَعَلاتن

۱۳۶- پایه آوایی تشکیل‌دهنده وزن بیت زیر کدام است؟

- «چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مست را که کس آهوی وحشی را از این خوش تر نمی‌گیرد»
(۱) فاعلاتن (۲) مفاعِلین (۳) مستفعِلن (۴) فعولن

۱۳۷- از میان کلمات زیر چند کلمه در وزن «فاعلاتن» است؟

- «می‌نوشتیم - کبوتر - دریادلان - نمی‌دانم - دری‌بگشا - بامدادی - باآذبان - کجایی»
(۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۳۸- پایه‌های آوایی کدام بیت به شکل «U / --- U / --- U / --- U» جدا می‌شود؟

- (۱) خداوندا شبم را روز گردان
- (۲) مهر اگر آرد بسی بی‌جا و بی‌هنگام آرد
- (۳) به گیتی هر کجا درد دلی بود
- (۴) در این درگاه بی‌چونی همه لطف است و موزونی

۱۳۹- وزن کدام مصراع‌ها از رکن «فاعلاتن» ساخته شده است؟

- (الف) من به هر جمعیتی نالان شدم
(ب) کی خبر یابی ز جانان هر زمان
(پ) چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان
(ت) سحرگه بلبل آواز می‌کرد
- (۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) پ - ت (۴) الف - ت

۱۴۰- وزن کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) خوشا از نی خوشا از سر سرودن
- (۲) عزیزا کاسه چشمم سرایت
- (۳) ما ز یاران چشم یاری داشتیم
- (۴) ز حسرت بر سر و بر رو همی‌زد

❖ (از این‌جا به بعد کم‌کم ابیات و عبارات خارج از کتاب می‌بینی؛ اما اگر همون مثال‌های کتاب خوب خونده باشی و ریتم و آهنگشون تو ذهنت باشه، این تست‌ها رو هم می‌تونی خوب جواب بدی.)

۱۴۱- وزن کدام بیت از ۴ فاعلاتن به طور کامل تشکیل شده است؟

- (۱) سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی
- (۲) لشکری را گه به کام گرگ آدم‌خوار خواهد
- (۳) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست
- (۴) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

۱۴۲- از میان واژگان و عبارات زیر چند مورد بر وزن «مفاعیلن» و چند مورد بر وزن «فاعلاتن» هستند؟

«دویدن - روزگاران - درختکاری - همنشینی - نگارا - تلفنچی - سزاواری - عسل‌فروش - نظرخواهی - پالیزبان - مازندران - نکوهش - شهریاری - چه می‌دانی؟»

- (۱) دو - چهار (۲) سه - چهار (۳) سه - سه (۴) دو - سه

۱۴۳- با توجه به وزن شعر، کدام کلمه جای خالی جدول زیر را به درستی پر می‌کند؟

ع	ا	ق	ب	غی	ب	ت	گ	ز	ن	ه	ر	ک	آ	ی	د		ر	ظ	و	م	ا	س	ت
و	ا	ک	ا	و	ا	ب	ن	گ	ر	د	ا	ز	ن	ظ	ر	م	ر	ظ	و	م	ا	س	ت
(۱) در نظر ما	(۲) پیش رویت	(۳) در نگاهی	(۴) امشب																				

۱۴۴- در وزن کدام بیت، فقط از رکن «مفاعیلن» استفاده شده است؟

- (۱) بی سببی ترک من ای ترک پری‌رخ چه دهی
- (۲) ای صبا با بلبل خوش‌گوی گوی
- (۳) گر از کوی او روی رفتن ندارم
- (۴) کجا باز آید آن مرغی که با من هم‌قفس بودی

۱۴۵- کدام مصراع‌ها بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده‌اند؟

- (الف) طبع را مایل به خرسندی کنید
(ب) چو او پرده سازد شوم جمله گوش
(پ) تو را من دوست می‌دارم چو بلبل
(ت) گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب
(ث) این کرامت از چه خصلت یافتی

- (۱) الف - ث (۲) ب - پ (۳) ت - ب (۴) پ - الف

۱۴۶- با توجه به وزن، کدام مصراع می‌تواند کامل‌کننده بیت زیر باشد؟

«آن شکایت‌ها که دارم از تو هم پیش تو گویم

- (۱) دوست می‌دارم من این نالیدن دلسوز را
- (۲) نه چندان آرزومندم که وصفش در بیان آید
- (۳) کامران آن دل که محبوبیش هست
- (۴) هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد



۱۴۸- کدام بیت با بیت زیر هم وزن است؟

۱۵۷- کدام بیت از ۳ بار تکرار «مفاعیلن» به طور کامل تشکیل شده است؟

- (۱) مرا ای بخت یاری کن چو یار از دست بیرون شد
- (۲) نگارینا چرا با من نمی‌سازی؟
- (۳) دلم چون مار می‌پیچد ز مهرم سر میچ
- (۴) گر از رویت بهار آگاه باشد

۱۵۸- در کدام گزینه هر دو بیت با یکدیگر هم وزن هستند؟

- (۱) فکر کن گنجشک باشی و ببینی گردباد
- (۲) هر چه با تنهایی من آشناتر می‌شوی
- (۳) تو را از من جدا کردند هر باری به ترفندی
- (۴) من و تو پنجره‌های قطار در سفریم
- (۱) هر چه آینه به توصیف تو جان کند نشد
- (۲) رود راهی شد به دریا کوه با اندوه گفت
- (۳) تمام شهر دنبال تواند از بلخ تا زابل
- (۴) بعدها تاریخ می‌گوید که چشمانت چه کرد

۱۵۹- در کدام گزینه، شاعر شعری سروده است که وزن آن نادرست است؟

- (۱) ای دروغ ای مادر ثانی من
- (۲) برای این‌که تو تنها نمایی
- (۳) وعده‌هایت خسته‌حالم می‌کند
- (۴) کمال همنشین در من اثر کرد
- (۱) پوشش افعال شیطنانی من
- (۲) کنار تو مرا هم آفریدند
- (۳) سراسر فتنه و یکسر دروغی
- (۴) برای این‌که عمرم را هدر کرد

۱۶۰- کدام کلمات به ترتیب و به درستی وزن بیت را کامل می‌کنند؟

- «اگر دشنام فرمایی دعا گویم»
- جواب تلخ می‌زیبد لب لعل»
- (۱) گر نفرین - شکرخا
 - (۲) تو را دیدم - تمنایی
 - (۳) اگر نفرین - تو را
 - (۴) و نفرمایی - شکرخا را

۱۶۱- با توجه به وزن بیت زیر، چند هجای کوتاه را باید بلند به حساب بیاوریم تا تقطیع شعر با وزن مطابق باشد؟

- «کاملان از عیب خود بیش از هنر یابند فیض»
- بهره طاووس از پا بیش از بال خود است»
- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۱۶۲- وزن کدام بیت همسان است؟

- (۱) چنان‌که در نظری در صفت نمی‌آیی
- (۲) به گدایی بگفتم ای نادان
- (۳) هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر
- (۴) از آن مرگان او دست دعا بر آسمان دارد
- (۱) منت چه وصف بگویم تو خود در آینه بین
- (۲) دین به دنیا مده تو از پی نان
- (۳) در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
- (۴) که دائم از خدا خواهد شفای چشم بیمارش

۱۶۳- وزن چند بیت از رکن «فاعلاتن» ساخته شده است؟

- (الف) بشوی ای خردمند از آن دوست دست
- (ب) مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد
- (پ) عاشقان را هست بی سرمایه سود
- (ت) لعل جان بخش تو خود دل‌های مسکینان به لطف
- (ث) ساقیا در قدح باده چه پیمودی دوش
- که با دشمنانت بود هم‌نشست
- همین آوازه می‌آید ز سنگ آسیا بیرون
- عاشقان را کار نبود با وجود
- جمع می‌دارد ولی زلفت مشوش می‌کند
- که حریفان همه در خواب گران‌اند هنوز

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۱۶۴- با توجه به وزن شعر زیر، به ضرورت شعری کدام هجای کوتاه را باید به بلند تبدیل کنیم؟

- «نگارین دست من بگرفت و از دست نگارینش»
- دلم خون گشت وزین دستم نگار از دست بیرون شد»
- (۱) هجای هشتم مصراع اول
- (۲) هجای نهم مصراع اول
- (۳) هجای دوازدهم مصراع اول
- (۴) هجای هشتم مصراع دوم



د رین در گا ه بی چونی ه م لطفس ت مو زونی
چ صحرایی چ خضرایی چ درگاهیں ن می دانم
— — — U — — — U — — — U — — — U

۱۳۹-گزینہ ۱

۱۴۱-گزینہ ۲

۱۴۲- اگزینہ ۳

سِ	زا	وا	ری
نَ	ظَر	خا	هی
چ	می	دا	نی
—	—	—	—
م	فا	عی	لن

درختکاری ← دِ رخت کا ری
— — U — U

۱۳۶- اگزینہ ۲

در پاسخنامه‌ها نون ساکن بعد از صَوْت بلند را خط نمی‌نویسند؛ چراکه در کتاب، این مطلب ذکر نشده! — طبق متن کتاب و برای این‌که حواستان باشد، در این شرایط روی «ن» علامت ساکن «ـَ» می‌گذاریم و هجای منتهی به آن را هجای بلند در نظر می‌گیریم.

هجای اول کلمهٔ «بامدادی» کشیده هست. در متن درس نامه چند بار دیدید که هجای کشیده، جای یک هجای بلند و یک هجای کوتاه را پر می کند. هم چنین می توانید برای تشخیص دادن وزن پایان هر هجای کشیده به حرف آخر آن، یک مصوّت کوتاه اضافه کنید. مثلاً در هجای بام (ـا،) بگوئید: بام (ـا،) هیچ ← هی چ

۱۴۴- گزینه ۴

ک جا با زا ی دان مر غی ک با من هم ق فس بو دی
گ هی فر یا د خان گش تی گ هم فر یا د رس بو دی
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱ مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

۲ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۳ فعولن فعولن فعولن

۱۴۵- گزینه ۱

طب ع را ما یل پ خر سن دی ک نید
این ک را مت از چ خص لت یا ف تی
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بررسی سایر موارد:

به مورد «ت» دقت کنید که یک فاعلاتن اضافه دارد.

گف ت می سل طا ن خو بان رح م کن بر این غ رب
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

«ب»: فعولن فعولن فعولن فعل

«پ»: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۴۶- گزینه ۴ دقت کنید که اگرچه تقطیع هجایی مصراع اول دارای ضرورت شعری است اما انتظار می رود در این درس بتوانید با ضرباهنگ شعر، وزن آن را بیابید:

آن ش کا یت ها که دا رم از تو هم پی ش ت گو یم
تق ت تق ت تق ت تق ت تق ت تق ت تق ت تق
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

در این جا «ش» را باید بیشتر بکشیم!

هر ک شی ری نی ف رو شد مش ت ری بر وی ب جو شد
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱ فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۲ مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۳ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۱۴۷- گزینه ۴ این گزینه یک فاعلاتن بیشتر دارد.

من ب دین خو بی ی زی با بی ن دی دم رو ی را
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۴۸- گزینه ۱ ریتم هر دو بیت:

ت تق تق ت تق ت تق تق ت تق ت تق ت تق
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بررسی سایر گزینه ها: ۱ فعولن فعولن فعولن فعولن

۲ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۴ فعولن فعولن فعولن فعل

۱۴۹- گزینه ۴ این بیت بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است.

به دریایی / در افتادم / که پایش / نمی بینم
کسی را پن / ج افکندم / / نمی دانم

مفاعیلن: نظامی را

۱۵۰- گزینه ۱

سر ز مس تی بر ن گی رد تا ب صب ح رو ز حشر
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

باید بلند شود تا فاعلاتن درست شود.

به لحاظ آوایی هجای «ح» را بیشتر می کشیم.

۱۵۱- گزینه ۳

م را بر قو ل مط رب گو ش مط رب در س مع
م ن ز با دا م سا قی مس ت سا قی مس ت خاب
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۵۲- گزینه ۴

اص ف ها نی چا ی سو زان یی ش رو
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱ ن گ را نم ز دست ت ای سا قی
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲ مط ر بی را دل ب ری می س تو دند
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۳ ه می گو یند ه می خا هند با ت بو دن
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۵۳- گزینه ۴ الف و ت) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

ب) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

پ) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۱۵۴- گزینه ۲

جان ب تل خی می د هد خا جو چ فر هاد
جا ن شی ری نش ف دا ی جا ن شی رین
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۱۵۵- گزینه ۳ وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

وزن سایر ابیات: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۱۵۶- گزینه ۲ وزن این مصراع فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است.

قد د او هر گه ک جو لان می ک ند
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

نکته

در کلماتی مثل جولان، روضه، موضوع، نو، پرتو و ... حرف «و» به صورت «OW» تلفظ می شود: now - partow - mowzoo - rowze - jowlan
«و» هم نشان دهنده صامت «و» (W) است و هم پیش از آن مصوت کوتاه «و» (O) وجود دارد.

۱۵۷- گزینه ۲ وزن سایر ابیات نیز از «مفاعیلن» ساخته شده است

اما فقط بیت ۲ از سه بار تکرار در مفاعیلن ساخته شده است.



نکته
خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که در خوانش شعر، حرف دوم فعل را ساکن می‌خوانیم تا وزن درست باشد. مثلاً: بگرفت ← بگرفت / ننوشتی ← ننوش تی / بگریزد ← بگری زد ...
این اتفاق زمانی می‌افتد که حرف «پ» یا «ن» اول فعل بیاید.

ن	گ	ا	ر	ی	ن	ا	چ	ر	ا	ب	ا	م	ن	ن	م	ی	س	ا	ز
ب	ح	س	ن	خ	د	چ	ر	ا	چ	ن	د	ی	ن	ه	م	ی	ن	ا	ز
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

۲) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعل

۴) مفاعیلن مفاعیلن فعولن

۱۵۸- **گزینه ۱** هر دو بیت ۱ بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» هستند.

۲) بیت یک: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن - بیت دو: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن

۳) بیت یک: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن - بیت دو: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۴) بیت یک: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن - بیت دو: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

۱۵۹- **گزینه ۲** وزن مصراع اول «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است و مصراع دوم «مفاعیلن مفاعیلن فعولن». همه مصراع‌های یک شعر باید هم‌وزن باشند.

۱۶۰- **گزینه ۲**

ا	گ	ر	د	ش	ن	ا	م	ف	ر	م	ا	ی	ی	ت	ر	ا	د	ی	د	م	د	ع	ا	گ	و	ی	م
ج	و	ا	ب	ت	ل	خ	م	ی	ز	ی	ب	د	ل	ب	ل	ع	ل	ت	م	ن	ا	ی	ی	ی	ی	ی	ی
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	

۱۶۱- **گزینه ۲** وزن شعر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ک	ا	م	ل	ا	ز	ا	ی	پ	خ	د	ب	ی	ش	ز	ه	ن	ر	یا	ب	ن	د	ف	ی	ض
ب	ه	ر	ی	ط	ا	و	و	س	آ	ز	پ	ا	ب	ی	ش	آ	ز	ب	ا	ل	خ	د	س	ت
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	

باید بلند به حساب بیاید. باید بلند به حساب بیاید.

۱۶۲- **گزینه ۴** وزن ۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن با وزن سایر ابیات در سال دوازدهم آشنا می‌شوید.

بیت ۱) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن

بیت ۲) فاعلاتن مفاعیلن فعلن

بیت ۳) مستفعیلن مفاعیلن مستفعیلن فعل

۱۶۳- **گزینه ۲** (الف): فعولن فعولن فعولن فعل

(ب): مفاعیلن ۴ ×

(پ): فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(ت): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(ث): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن (به مصراع دوم توجه کنید).

۱۶۴- **گزینه ۳** وزن شعر، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن است.

ن	گ	ا	ر	ی	ن	ا	ت	م	ن	ب	گ	ر	ف	ت	آ	ز	د	س	ت	ن	گ	ا	ر	ی	ن	ش
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	

این هجا باید بلند بشود تا وزن درست باشد.

